مجله پیشرفت های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش
سال چهارم، شماره ۴۱،آبان ۱۴۰۰
ISSN: ۲۵۸۸-۷۵۱۳
www. jonapte. ir

ارزیابی تصویرسازی آموزشی با بهره گیری از تصاویر گرافیکی بر روی پوشاک کودکان

نجمه قربانی[۱]، سهیلا ایزدی[۲]

[۱] هنر آموز گرافیک، کارشناسی، گرافیک، دانشکده فرهنگ و هنر، مرکز آموزش عالی علمی‌کاربردی واحد ۱ اراک، اراک، ایران (نویسنده مسئول)
[۲] کارشناسی، گرافیک، دانشکده فرهنگ و هنر، مرکز آموزش عالی علمی کاربردی واحد ۱ اراک، اراک، ایران

چکیده

یکی از ارکان اساسی در رشد و توسعه همه جانبه، به ویژه توسعه اجتماعی و فرهنگی کشورها آموزش و پرورش می باشد. آموزش و پرورش دارای دوره های آموزشی مختلفی است و مهمترین و حساس ترین دوران آموزشی، دوره آموزش ابتدایی است. با تدوین این مقاله سعی بر ایجاد بستری در جهت تغییر نگرش ها و اصول اولیه آموزش شده، تا با تکیه بر چهارچوب درسی به بازنگری حروف الفبا پرداخته شود. هدف این تحقیق تحولی در راستای کاربرد تصویرسازی در شکوفایی استعداد های نو آموزان و رشد و بهبود فرآیند آموزش عمومی است؛ همچنین سعی شده است از دید خلاق نو آموز در جهت یادگیری مستمر حروف استفاده شود وبه تصویر سازی آموزشی و عوامل موثر درآن پرداخته شده است، به این معنا که تصویر ساز تا چه اندازه به آن توجه داشته و میتواند نقش موثری در ارائه تصاویر داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: تصویرسازی، تایپوگرافی، آموزش، حروف فارسی، کودکان، خلاقیت، پوشاک

۱. مقدمه

رویکرد به زبان داستان روایی و روایتی، از همان نخستین نگاره های انسان نخستین بر دیواره غار ها و نقش پردازی بر روی ظرف ها و آرایه ها آشکار است. داستان شکار، داستان رقص های موضوعی و داستان های آیینی در زبان تصویری همیشه وجود داشته است. هنر تصویرسازی، به عنوان فرآیندی جدی در زندگی کودکان می باشد، که بخش گسترده ای از جامعه امروز جهانی را تشکیل می دهند. همراه با گسترش علم و دانش، تفکیک علوم وبه کار بردن زبان تخصصی برای هر رشته علمی، زبان تصویر به صورت یک بخش ضروری و جدا نشدنی از آموزش در آمده است وانسان برای فهم مطالب مورد نظر نیاز به تصاویر دارد تا به طور مستقیم برای درک بهتر مطلب استفاده کند. تعدادی از پژوهش‌ها به بررسی اثر تصویرسازی ذهنی در حافظه کاذب پرداخته اند مزونی و ممون گزارش دادند که بعد از تصویرسازی موضوع هدف ۴۰ درصد شرکت کنندگان به طور کاذب یک خاطره از آن موضوع داشتند[۱]. در آزمایش واینستین و شانکس شرکت‌کنندگان تصاویر و کلمه هایی را بدون تصویر سازی ذهنی مطالعه کردند. در این آزمایش بازشناسی کاذب تصاویری که به شکل کلمه خوانده شده بود ۷ درصد بازشناسی کاذب تصاویری که یکبار تصور شده بود ۲۶ درصد و تصاویری که چند بار تصور شده بودند ۴۸ درصد بود در واقع تصویرسازی ذهنی موجب افزایش بازشناسی کاذب شد[۲]. یکی از اهداف تصویر سازی ذهنی کتاب کودک آشنا کردن او با هنر های زیبا می باشد[۳] .

برای تعریف تصویر سازی این چنین می توان بیان کرد که قدیمی ترین خط ها، تصاویری بوده اند که انسان برای ارسال پیام و بیان مقاصد و اهداف و نظریاتش و نیاز به برقراری ارتباط، بر دیوار غارها، تنه درختان یا بر سنگ ها و سنگستان ها تصویر میکرده است. مجموعه مدارک و دلایـل نشانگر آن است که انسان از آغـاز نگارش به ارزش تصویری خط واقف و کاملا بر این مطلب اذعان داشته که اگر تعداد معدودی توانای خواندن خط را دارا می باشند، همه انسان ها قدرت ادراک پیام تصویری را دارند. انسان از همـان آغـاز برای برقـراری ارتباط با دیـگران و کنتـرل نیروهای مرموز طبیعت که از طرفی نیازهای او را برآورده می ساخت و از طرفی دیگر زندگی او را به مخـاطره می انداخت به ساختن تصویر بردیوار غارها متوسل گردید و پس از آن نیز این تصاویر بر تمام اشیا آیینی و ابزار زندگی او نقش بست و مصرانه حیات خود را در زندگی متمدن امروز ادامه داد.

هنر تصویرسازی، به گزینش و به کارگیری تصاویر توضیح دهنده و توصیف کننده برای بیان مفاهیم اشاره می کند. در تصویرسازی، ممکن است نقاش، عکاس، گرافیست، صفحه آرا، روان‌شناس، مولف، معلم، متخصص موضوعی و مدیر هنری در کنار یکدیگر گاه به صورت گروه های دو یا سه نفری، با یکدیگر کار کنند تا بتوانند پیامی را به شکل موثر به مخاطب منتقل کنند. هنر تصویرسازی تابع اصول و معیارهای خاصی است. آگاهی تصویرسازان از این معیارها به بهبود کیفیت تصاویر آموزشی کمک می کند؛ از کهن ترین و مهمترین آثار مکتوب مصور دوران باستان کتاب ارژنگ مانی است[۴].

در سال ۱۳۳۹ به پیشنهاد انتشارات فرانکلین و با همکاری سازمان چاپ و تالیف کتاب های درسی، ۱۶ نفر از کارشناسان نگارش و تصویرسازی کتاب های کودک درسی، همچون « پرویز کلانتری» و « زمان زمانی» به کشور های آمریکا، انگلستان و فرانسه فرستاده شده تا تجربه های فراگیر خود را در اختیار کتاب های درسی قرار دهند.

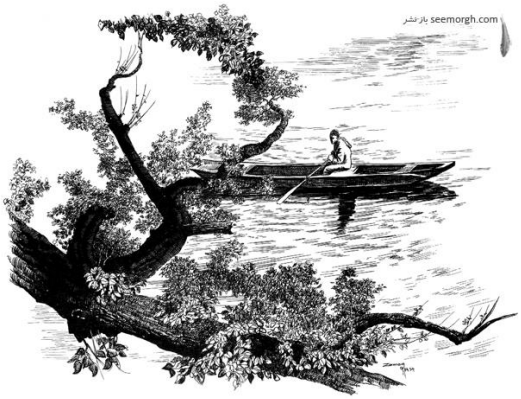

شکل ۱ – تصویر سازی برای کتاب درسی زمان زمانی

شکل ۲- تصویر سازی برای کتاب درسی پرویز کلانتری

تصویر سازی بیننده را به فکر کردن تشویق می کند تا بیش از آنچه را که در متن وجود دارد به تصور آورده به درک بیشتر و عمیق تری از موضوع برسد. تصویرسازی بزرگ مانند داستان ها و حکایات بزرگ هستند. در اینجا بیننده باید فعالانه درگیر موضوع باشد تا به درک بیشتر و عمیق تری از پیام برسد. اگرچه شاید مفهوم اصلی در ابتدا درون متن پنهان به نظر برسدو هنگامی که بیننده تصویر را منتشر کرد ارتباط به طور کامل برقرار می شود. تصویر سازی باشکوه باهنر و مهارت و تفکر خلاق پیوند دارد. خلاصه کردن طرح:برای تصویرساز، مهم ترین بخش تفکر خلاقانه با خلاصه طرح پروژه جدید آغاز می شود خلاصه طرح اولیه، مرحله ای است که در آن اطلاعات زیر بنایی و پایه ای درباره پروژه جمع آوری میشود[۵] . به گفته اُشو «خلاقیت واقعی از روی یادآوری نیست، بلکه از روی آگاهی است. تو باید آگاه تر شوی. هرقدر آگاهی تو بیشتر باشد، تور تو بزرگتر خواهد بود و مسلم است که ماهی بیشتری به تورت خواهد افتاد» [۶]. بی تردید خلق یک اثر تصویر سازی مستلزم دانستن مبانی این حرفه می باشد. اما مهم تر از آن ایده و تفکرات تصویرگر می باشد که می تواند یک اثر مصور را به بهترین شکل ممکن عرضه نماید. بنابراین هنرمندان تصویرگر با تصویر سازی، شناخت و یژگی ها و سبک های هنری گوناگون می توانند در مسیر دستیابی به ایده های نوین، برای ایجاد و خلق یک تصویر موفق و اثر گذار گام بردارند[۷].

۲. تصویر و نقش آن در آموزش کودکان

واقعیت این است که در زمینه تصویرسازی کتاب های کودک در حیطه غیر درسی هم با ضعف های جدی مواجه می باشد که می توان به بحث تخیل و کم توجهی تصویرسازان به معیار های سوال بر انگیز برای کودکان اشاره کرد. ضعف های که اکنون در تصویرسازی کتاب کودک می بینیم از عدم شناخت به این مقوله ناشی می شود. بدین منظور در راستای هدف پژوهش حاضر پرسش های ذیل مطرح شده اند.

- چطور می توان از تصویر سازی برای آموزش متفاوت و غیر مستقیم الفبا و یادگیری به کودکان استفاده کرد؟
- نوع ارائه ی تصویر سازی آموزشی چگونه باشد که تاثیرگذاری بیشتری در کودکان داشته باشد؟

تاثیر ویژگی های نقاشی کودکان در تصویرسازی

چه ویژگی هایی در زمینه ی زاویه ی دید و تکنیک در نقاشی های کودکان وجود دارد که بخشی از هنرمندان انتزاع گرای معاصر را تحت تاثیر خود قرار داده است؟ برخی از ویژگی های بر جسته ای که سبب شده نقاشان و تصویرسازان معاصر با توجه ی خاص به آن نگاه کنند و در نقاشی های کودکان (و انسان نخستین) موج می زند،را چنین می توان طبقه بندی کرد.

هم پوشانی: قرار دادن لایه های تصویری بر روی یکدیگر. واژگونی(تعلیق): واژگونگی پدیده ها در زمینه ی تصویر

شکل ۳ -هم پوشانی در کتــاب دختر باغ آرزو،نسرین خسروی

شکل ۴ –تعلیق در تصویرسازی کتاب سنت های ایرانی،رویا بیژنی

خام دستی در طراحی و استفاده از رنگ های تند و خالص:هر چند کودکان به دلیل ناآشنایی با اصول طراحی، از خطوط کج وکوله و بدون تناسب استفاده می کنند اما این روش در کار نقاشان و تصویر سازان حرفه ای، وسیله ای برای بیان نیمه انتزاعی بسیار استفاده می شود و نیاز به مهارت کافی دارد تا زیبا شناسی آن حفظ شود.

شکل۵ –کاربرد رنگ های تندوخالص در تصویرسازی کتاب های کودکانه،مرجان صبوری

حذف ژرفانمایی(پرسپکتیو):کنار گذاشتن تناسب و دیگر قواعد مرسوم در نقاشی کودکان در تشخیص اندازه ی ظاهری پدیده ها در نمای دور یا نزدیک آن تجربه ای ندارند و فرایند ژرفانمایی که نیاز به فرگیری دراد، تقریبا در سن نوجوانی قابل درک است.

شکل ۶– حذف پرسپکتیو درکتاب(اوجی)علی نامور

جسارت،آزادی عمل و خلاصه گی:جسارت و آزادی بی مرز کودکان در هنگام کار سبب می شود که آنان اغلب بدون طرح اولیه و گاه بدون توجه به درست یا نادرست بودن طرح، مداد رنگی ها و قلم موهایشان را به سرعت برروی صفحه ی کار به حرکت در آورند و بدون احتیاط، اسب ها، درخت ها، پرنده ها و انسان ها را بر روی کاغذ نقاشی کنند.

انتزاع: خام دستی و ناآشنایی کودک با قواعد مرسوم در نقاشی، گاه تصویر هایی می آفریند که برای دیگران قابل درک و معنا نیست اما برای کودکان نقاش، باور پذیر است.

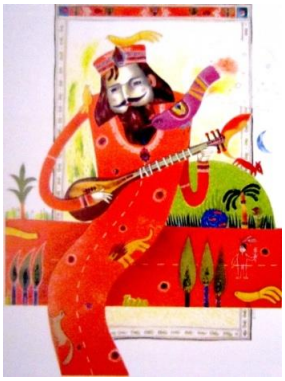

شکل ۷- انتزاع کودکانه در تصویر کتاب (جاده)، نگین احتسابیان

در آمدی بر ریخت شناسی نوشتار فارسی:

ادبیات و متون فارسی در نزد ایرانیان همواره از ارزش و احترام خاصی برخوردار بوده است. این اهمیت در چگونگی ثبت و ضبط آن نیز وارد شده و جنبه ی زیبایی شناسی و شکل و ریخت نوشتار و تحریر را تحت تاثیر قرار داده است.

حروف الفبای فارسی را پیش تر به ترتیب مخرج حروف پشت سر هم ترتیب می کردند. اما امروزه بر اساس شکل ظاهریشان ردیف شده اند. به این ترتیب شباهت ظاهری میان برخی حروف بیشتر دیده می شوند برای مثال :(ب،پ،ت،ث)و(ج،چ،ح،خ)فقط در نقطه هایشان با هم متفاوتند و مانند اعضای یک خانواده اختلاف جزئی در هیکل شان دیده می شود.

بر این اساس یعنی شکل حروف،می توانیم حروف الفبای فارسی را به ۱۸ بخش تقسیم کنیم:۱۰ خانواده و۸ مجرد که در این ترتیب خانواده ها اول و مجرد ها آخر نوشته می شوند.

خانواده ها: (آ،آ)،(ب،پ،ت،ث)،(ج،چ،ح،خ)،(د،ذ)،(س،ش)،(ص،ض)،(ع،غ)،(ک،گ)

مجرد ها: (ل)،(ف)،(ق)،(م)،(و)،(ن)،(ه)،(ی)

اما خانواده کاف از میان مجرد ها سر درآورده است. این به دلیل عدم وجود گاف در الفبای عربی است که به این ترتیب کاف هم مجرد می شودو به دلیل شباهت کاف نسخ به لام آن را پیش مجرد لام نوشته اند.

حروف نقطه دار و بی نقطه:

در فارسی ۱۷ حرف نقطه دار:(ب،پ،ت،ث،ج،چ،خ،ذ،ز،ژ،ش،ض،ظ،غ،ف،ق،ن)

و ۱۵ حرف بدون نقطه وجود دارد:)ا،ح،د،ر،س،ص،ط،ع،ک،گ،ل،م،و،ه،ی)

از ۱۷ حرف نقطه دار ۱۰ حرف آن تک نقطه ای است و دو حرف آن ۲ نقطه ای و ۵ حرف آن ۳ نقطه ای است. البته شکل (ی)در حالت(یا) وسط هم دو نقطه ای است[۷].

ترکیب حروف و تصویر

ایجاد ارتباط متقابل بین حروف و دیگر عناصر کار،به خصوص تصاویر،از جدی ترین مسائل بسیاری از طراحان است. دشواری حل این مساله از کارکردی بودن ناگزیر تایپو گرافی نشات می گیرد. با این وجود، مانند عناصر نقاشی یا مجسمه که برای خلق یک کل با یکدیگر ارتباط متقابل برقرار می کنند، عناصر تایپوگرافی نیز باید با اقلام غیر تایپوگرافی پیرامون خود روابط بصری متحدی را برقرار کنند .

شکل ۸- نمایش ترکیب حروف و تصویر

طراح به دنبال آن است که با محتویات ارتباط تصویری (هم تصاویر هم متن) به بیانی یک پارچه دست بیابد که در آن تایپوگرافی و تصاویر نقشی برابر ایفا کنند .

در صورت ترکیب ضعیف حروف و تصویر، دو اشکال اساسی به وجود می آید. یا تایپو گرافی از محوطه های تصویری کاملا جدا می شود ویا تا حد شکل و بافت کاسته شده و خالی از کارکرد نهایی خود که خوانایی و القای معنا است می شود. بین این دو دسته محل تقاطعی جادویی از خواندن و دیدن نهفته است و هنرمند تایپوگراف که به کلمه به مثابه تصویر و ایده حساس است، همان کسی است که این تقاطع را پیدا می کند. پیوند زدن کلمات و تصاویر به معنی یافتن هارمونی بصری بین آنهاست که در بهترین حالت، امکان خوانایی متن و در ضمن بعد مفهومی دادن به تصویر است. این ارتباط می تواند بافتی باشد(مانند شکل تکرار شونده عنصری درون یک عکس که یک کلمه یا جمله میتواند ریتم ان را تقلید کند) یا ساختاری (مانند استفاده از مستطیل عمودی ستون متنی که مقابل مستطیل های افقی عکس ها چیده می شود). گاهی تایپوگرافی خود نقش تصویر اصلی را دارد، به این معنی که هیچ عکس یا تصویری آن را همراهی نمی کند. در این نمونه ها،تاثیر متقابل اشکال حروف در اولویت اول، حروف را به عنوان تصویر مطرح می کند، و اطلاعات موجود در حروف در اولویت دوم قرار می گیرند[۹].

کاربرد تصویر و رنگ در آموزش

از تصاویر آموزشی، ممکن است برای آموزش مفاهیم، کنش ها،مهارت ها، فرایندها، رابطه ها، پدیده ها، رخدادها، اجزای یک شی، ابعاد(دوبعدی، سه بعدی)، افعال، حالت ها، شباهت ها، تفاوت ها، تضادها (روشنایی،تاریکی...) مقایسه ها (بلند، بلندتر، بلندترین...) شخصیت ها، بازآفرینی احساس، انتقادها، اندازه ها، کشف ها، اشکال، احجام، روابط فضایی،موضوعات مجرد، داستان سازی، سنجش تاریخی و گذر زمان و یا تغییرات ودگرگونی ها استفاده شود. نوع تصویر، متأثر از محتوای ماده ی آموزشی وتعامل و توافق تصویرساز با متخصص آموزشی است[۵].

لازم به ذکر است کاربرد رنگ در آثار تصویرسازان، با توجه به مواد به کار گرفته شده، زاویه دید و روش کار، از گوناگونی فراوانی برخوردار است. در اینجا به برخی از ویژگی های کاربرد رنگ در آثار تصویرسازان، مورد گفت و گو قرار می گیرد. گرایش به کاربرد رنگ های تند، خالص، درخشان و یکدست، یادگار تلاش های رنگی هنرمندان گذشته است که هنوز هم نمود هایی از آن در زندگی قبیله ای و در نقش و نگار بخشیدن به چهره، اندام و اشیای پیرامون به چشم می خورد. نقاشان رنگ اندیش امپرسیونیست، به ویژه هنرمندان فوویست در آثار هنری شان، به فراوانی از حضور این گونه رنگ بهره می جستند. استفاده از رنگ های تند، درخشان و غیر ترکیبی در آثار هنرمندانی چون ممیز از جمله در کتاب حقیقت و مرد دانا و بهمن دادخواه در کتاب شعرهایی از شاعران ایران، دیده می شود. استفاده از این گونه رنگ، بیشتر مناسب خردسال سال های اول دبستان است[۸] .

شکل ۹- نخستین نشانه های سایه روشن رنگی در تصویرسازی ایران[۷]

افزون بر جلوه های نمایشی، رنگ، از نماد ها و درون مایه های حسی و درونی فراوانی برخوردار است که تنها با شناخت تاثیرات آن می توان به کاربرد بجای آنها پی برد. نقش های اصلی و پایه ای رنگ را می توان چنین دسته بندی کرد: الف-نقش حسی، ب-نقش نمادین، پ-نقش ساختاری.

کاربرد رنگ در تصویر از نظر پوشش سطحی درونی فرم به گونه های متفاوتی صورت می گیرد که شامل الف) رنگ، بدون استفاده از فرم های خطی، ب) رنگ، در چارچوب فرم، پ) رنگ، بیرون از چارچوب فرم.

به کارگیری عناصر دیداری تصویر هم چون: خط، فرم، رنگ و بافت در آفرینش تصویر با ویژگی های ترکیبی همراه است که مجموعه ی آن را «ترکیب بندی» می نامند. ترکیب بندی در یک تصویر مجموعه ای است از عناصر :تضاد (کنتراست)، زاویه دید، تعادل، ضرب آهنگ، هماهنگی، یکپارچگی، تاکید، سفیدخوانی، چینش (همراهی اجزای تصویر، همراهی متن و تصویر). تغییر زاویه دید و نگاه در تصویر سازی می تواند بر گسترش هیجان و پویایی تاثیر گذار باشد[۶].

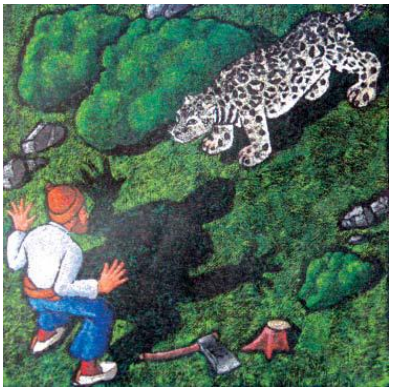

شکل ۱۰- زاویه دید از بالا

به عنوان مثال در زاویه دید از بالا کودک نسبت به سایر زوایا کم تر ازاین زوایه استفاده می کنند. دلیل عدم استفاده کودک از این زاویه دید را باید در عدم درک او از به کارگیری تکنیک های مربوط به نقاشی از زاویه دید از بالا دانست، به همین خاطر است که کودک تمام اشیاء و موجودات را از زاویه روبه رو میکشد زیرا او همه چیز را از این زاویه می بیند[۹].

هر اثر تصویر سازی در کتاب آموزشی، برای ماندگار شدن در ذهن، ارتباط برقرار کردن با مخاطب و رسیدن به نتیجه مطلوب، نیازمند معیارها و ملاک هایی است که رعایت و به کار بردن آن در اثر هنری، آن تصویرسازی را به یک اثر موفق و ماندگار تبدیل می کند. این معیارها و ملاک ها را، که سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی در سال ۱۳۸۳ در قالب جزوه ای با عنوان «ویژگی ها و اصول تصویرگری کتاب آموزشی» انتشار و در دسترس: ناشران، معلمان مولف، نویسندگان قرار داده است به شرح ذیل می باشد. لازم به ذکر است توضیحاتی در مورد تنها چند مورد از موارد ذکر شده در این مقاله اشاره شده است.

اصل سادگی، اصل پیوستگی، اصل توازن درفرم ها و ترکیب ها، اصل تاکید، توجه به اصل پیوند محیطی و مکانی، اصل تعادل، رعایت اصل تعادل و توازن بین زمینه و موضوع، اصل رابطه ی تصویر با معیار های اندازه گیری،اصل ترکیب بندی، رابطه ی تصویر با معیارهای کادر بندی، اصل فاصله ی مطلوب، اصل تاثیر روانی خط ها، اصل تاثیر روانی شکل ها و رابطه ی آنها با تصویر آموزشی، خواص روانی رنگ ها و رابطه ی انها با تصویر، اصل تباین در طراحی تصاویر آموزشی، پرهیز از تکراری بودن سبک تصویر سازی، اصل خیال برانگیزی، اصل ایمنی عاطفی، توجه به علایق کودکان به رنگ ها، تحریک حس کنجکاوی و علاقه به کشف، توجه به هویت ملی اعتقادی و اسلامی، اصل توازن در تصویر گری جنسیت ها، اصل خلاقیت در اثر هنری، اصل به روز بودن تصویر، اصل تفاوت در فرهنگ های منطقه ای، رعایت تناسب بین سبک هنری و موضوع آموزشی، توانایی در تصویرگری موضوعات تخصصی، اصل برجسته سازی موضوع، اصل تطبیق با واقعیت، اصل برانگیختن ذوق هنری در فراگیران، اصل استفاده به جا از تصویر، اصل تصویرگری مبتنی بر تحقیق و پژوهش، رعایت توازن در نگاه هنری و نگاه آموزشی[۱۰].

اصل سادگی: هرچه اجزای یک تصویر آموزشی، در جهت القای پیام مورد نظر، وحدت بیشتری داشته باشد و عوامل غیرضروری در آن حذف و با جزئیات کمتری نمایش داده شود، آن تصویر برای نمایش و ایجاد شرایط مناسب برای یادگیری، مطلوب تر و جالب تر خواهد بود، سادگی تصویر تابع سن مخاطب و موضوع آموزش است.

اصل پیوستگی: چشم انسان در طبیعت، معمولا به وحدت بصری عادت دارد. برای مثال، به صورت تجربی دریافته است که کوه ها با ابرها، درخت ها با هم، ساختمان ها با یکدیگر و... در یک سامانه یا نظام قرار دارند.

تعادل : منظور از تعادل، پراکندگی عادلانه و منطقی اجزای جالب و جذاب تشکیل دهنده ی یک تصویر است. تعادل ممکن است از نوع رسمی یا غیررسمی باشد. در تعادل رسمی، هدف ایجاد اثری ساده، آرام کننده، رسمی، ساکن و کم انرژی است. برای مثال، نمایش چهره ی انسان و جانوران از رو به رو یا پشت سر. در تعادل غیررسمی، هدف ایجاد تحرک، پویایی، به جنبش درآوردن احساسات و ایجاد کنجکاوی ذهنی است. برای مثال، نمایش چهره ی انسان و جانوران از رو به رو یا پشت سر. در تعادل غیررسمی، هدف ایجاد تحرک، پویایی، به جنبش درآوردن احساسات و ایجاد کنجکاوی ذهنی است.

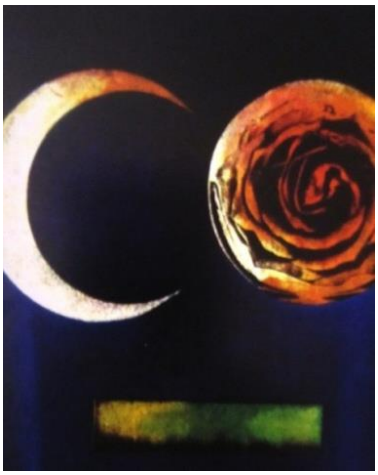

شکل ۱۱- عنصر تعادل در تصویرسازی (می تراود مهتاب)، فرشید مثقالی[۱۲]

تاکید: نیز از این اصل با نام اصل نقطه طلایی و یا اصل نقطه ی اوج یاد می شود. در این اصل، تصویرساز عنصر بصری را به صورت غیرمترقبه، بافشار و تاکید در یک ترکیب بندی تصویری به بیننده ارائه می کند. برای مثال، اگر هدف تصویرساز آموزشی، انتقال مفهوم" قلب انسان" باشد استفاده از اصل تاکید ایجاب می کند که در یک چارت آموزشی، خطوط محیطی بدن ترسیم شوند و فقط عضو" قلب" رنگ زده شود.طبق تجربه رعایت همین نکته ی ساده م یتواند، عامل مؤثری در ارتباط بصری باشد مفهوم تاکید در یک تصویر می تواند به صورت های زیر مورد استفاده قرار گیرد. که عامل اشاره است و استفاده از علائم گرافیکی مانند پیکان برای هدایت چشم به کار می رود[۱۲].

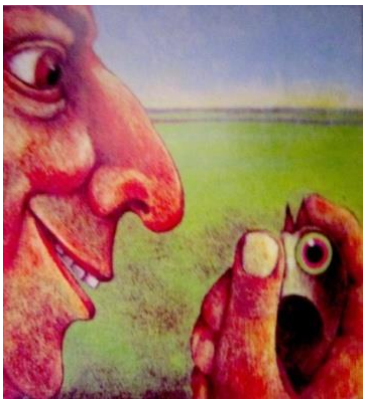

شکل ۱۲- تاکید بر نگاه آزمند شکارچی به پرنده، در کتاب پرنده چه گفت؟ بهمن دادخواه [۱۲]

اصل خیال برانگیزی :تخیل برانگیز بودن تصاویر م یتواند عاملی در بروز خلاقیت و استعداد درکودکان باشد. یوری شال و تیز معتقدند، تصاویری که جنبه ی انگیزشی داشته باشد، م یتوانند کودک را به مشارکت فعال در جانشین کردن تصاویر یا پندارهای ذهنی، تشویق کنند. تصاویر خیال برانگیز، نه تنها ذهن کودک را محدود نمی کنند، بلکه به گسترش ذهن و تخیل او دام م یزنند. تصاویر خیال برانگیز، امکان تصور حضور کودک در موقعیت های گوناگون، و پرواز فکر و کشف و دنبال کردن

پدیده ها را برای او فراهم می کنند. بدیهی است در به کارگیری عنصر خیال در موضوعات علمی باید دقت کرد. تعامل تصویرگر با نویسنده در این خصوص یک ضرورت است.

اصل تحریک حس کنجکاوی و علاقه به کشف: تصاویر در فراگیر باید انگیزه و سؤال ایجاد کنند؛ به گونه ای که ذهن او با دیدن تصاویر فعال گردد و علاقه مندی به کشف در او بیدار شود. شروع کتابهای آموزشی، با توجه به نوع کتاب، همراه با تصاویر متنوع و مرتبط، در تحریک حس کنجکاوی فراگیران مؤثر است. برای مثال، شروع یک کتاب علوم همراه با گیاهان سبز، گل، پروانه و جانوران، بیشتر به تحریک حس کنجکاوی کودکان کمک میکند تا کتابی که اولین تصویر آن از رعد و برق و آسمان تیره باشد. [۱۱].

اصل خلاقیت در اثر هنری: بیان تصویر بدون خلاقیت، ماشینی و غیره ماندگار خواهد بود. بیننده باید در تصویر، هوشمندی، ظرافت و نوآوری مشاهده کند. بروز خلاقیت در تصویر موجب تقویت تفکر واگرا در بیننده میشود.

اصل برانگیختن ذوق هنری در فراگیران: در تصویرگری برای کودکان، ابتدا باید به طراحی تصاویر نزدیک به ذهن آنان توجه کرد. سپس به ارائه ی تصاویر پیچیده تر و متنوع تر پرداخت. تنوع تصویر، در کتاب های آموزشی مهم است؛ زیرا کتاب آموزشی باید بتواند ذوق هنری را در دانش آموزان نقاط گوناگون کشور تقویت کند. توجه به روش های متنوع تصویرگری، برای مثال نگاه طنزآمیز به تصویر، م یتواند کودک پسندی و سرگرم کنندگی کتاب آموزشی را افزایش دهد و بر بار آموزشی آن بیفزاید. استفاده از ریزنق شها، مانند حیوانات و تصاویر خنده دار و یا گل ها برای رفع خستگی و تقویت ذوق هنری و تخیل در مخاطبان دوره ی دبستانی لازم است.

اصل استفاده به جا از تصویر: هر نوع تصویری برای بیان هر پیامی مناسب نیست. برای مثال، در نمایش پدیده های جغرافیایی، نظیر چشم انداز جغرافیایی یک مکان و یا یک خانه ی روستایی در برنج زارهای شمال ایران، عکس بهتر از نقاشی است و یا در آموزش موضوعات دینی، طراحی و نقاشی بهتر از عکس است.

۳. کار تجربی:

همانطور که در تصاویر ذیل ملاحظه می کنید حروف به طور جداگانه ای توسط کودکان ۳ تا ۵ سال با توجه به دیدگاه آن‌ها نسبت به حروف، تصویرسازی شده اند و همچنین با توجه به حرف مورد نظر تصویری که با این حرف آغاز می‌شود بر روی لباس ها ثبت شده اند.

شکل ۱۳. ق، مثل قورباغه

شکل ۱۴. آ، مثل آچار

شکل ۱۵. س، مثل سبزه

شکل ۱۶. ت، مثل توت فرنگی

لازم به ذکر است با توجه به محدودیت های اشاره شده در مقاله امکان ارائه تمامی کارهای تجربی در مقاله امکانپذیر نبوده و تنها تعداد معدودی از آن ها در مقاله درج شده است.

نتیجه گیری :

در جوامع امروز بشری، توجه به تعلیم و تربیت کودک و نوجوان، امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. یکی از پدیده های مهم و حیاتی جهت انتقال آسان و سریع اطلاعات و در نتیجه آموزش و تربیت کودکان، امور عینی و جنبه های بصری واقعیت ها و مفاهیم است.

کودک با علایم دیداری بهتر و راحت تر و البته سریع تر می آموزد، به کار می بندد و طبقه بندی می کند. بنابراین، دنیای تصویر و تصویرسازی، برای مخاطب کودک، بسیار حیاتی و جذاب است و به همین دلیل است که در این مقاله مشاهده می کنیدکه حروف الفبا تصویرسازی شده و برروی لباس کودک نقش بسته است که برای یادگیری آسان تر و همچنین سریعتر مخاطب نیاز است.

نقاشی و یا تصویرسازی، وسیله ای است که کودک می تواند به کمک آن، نوعی ارتباط روحی با دیگران برقرار کند. دراین مقاله و با توجه به کارهای عملی انجام شده که تصویر سازی آنها توسط خود کودک انجام شده است از ذهنیت و خلاقیت کودک استفاده شده و بنابراین می توان از این طریق به روحیات، تمایلات و شخصیت او پی برد.

توجه به این جنبه ی آموزشی و تربیتی در جوامع در حال رشد و جوامع پیشرفته، جهت تحقق اهداف آموزشی و تربیتی، بسیار حائز اهمیت است. نقد و بررسی صحیح تصویرسازی کودک و نوجوان می تواند در پیشرفت و رشد جنبه های گوناگون تصویرسازی کودک و نوجوان بسیار یاری دهنده و موثر باشد. به شکلی که با نقد و بررسی سازنده و ارایه ی راهکارها و شیوه های صحیح و مناسب، به پیشبرد اهداف چند جانبه ی تصویرسازی کمک شده و در نهایت باعث رشد شیوه های آموزش و تربیت شود.

امروزه، در حیطه ی نقد و بررسی تصویرسازی کودک و نوجوان، متاسفانه با کاستی هایی روبه رو هستیم که باعث پایین آمدن کیفیت انتقادات، کم کارآمدی و حتی نا کارآمدی آن ها می شود. این کاستی ها مربوط به پایین بودن اطلاعات و میزان شناخت منتقدین، از اصول تصویرسازی و علوم مربوط به آن می شود.

روانشناسی تربیتی کودک و نوجوان، علمی کاربردی است که می تواند درباره ی ویژگی های این گروه سنی، و به تبع نیازهای گوناگون و نحوه ی برخورد با آن ها، اطلاعات فراوانی بدهد. بنابراین، مطالعه در زمینه ی روانشناسی تربیتی و رشدی کودک و نوجوان می تواند راهگشای خوبی، جهت دست یافتن به متون انتقادی بهتری در این زمینه باشد.

آدمی در دوران کودکی به علت عدم شناخت کافی از جهان پیرامون بیش تر تحت تاثیر محیط اطرافش قرار می گیرد لیکن باید عوامل موثر در عرصه علاقه مندی کودک را شناخت.پر واضح است که سیستم آموزشی باید نقش بسزایی در این روند پیش ببرد.ناگفته نماند که یکی از تاثیرات مهم در یادگیری کودکان بالا بردن دید خلاق به موضوع یادگیری و مورد علاقه ی کودکان باشد که این امر باید به صورت پیوسته و تدریجی انجام شود همانطور که تصویر روی لباس می تواند در این امر کمک بسزایی بکند و به آموزش و یادگیری به طور نامحسوسی کمک کند. اگر جامعه بتواند از همان ابتدا یادگیری کودکان،در جهت پیشرفت کودکان قدم بردارد لیکن باید نظام آموزشی فقط به مدرسه ها تلقی شود باید در محیط اطراف حتی لباس ها به یادگیری موضوع مورد نظر سعی شود.

وقتی از لزوم خلاقیت و فردیت هنرمند در تصویرسازی سخن گفته می شود، برای بسیاری این سوال پیش می آید که پس تکلیف مخاطبان چیست ؟ شاید بچه ها از درک اثر هنری عاجز باشند ؟ واقعیت این است که اگر ارتباط تصویرساز با بچه ها، همراه با صداقت و صمیمیت باشد، آنها حتما رابطه ای عمیق با اثر برقرار می کنند وتصاویر را به راحتی می پذیرند و درک می کنند. به همین دلیل است که گاهی تصویر ساز از نقاشی های خود کودک برای تصویر سازی ها استفاده می کند و گاهی در آن تصاویر دخل و تصرف کرده تا بتواند به این ارتباط و در نهایت درک مخاطب کمک بسزایی کند. هرچه این ارتباط گسترده

تر شود کودکان روحیه آسان پذیری را بیش از پیش کنار می گذارند و می آموزند که هر چیزی را ژرف تر ببینند و با آن ارتباط برقرار کنند.

ممکن است اشکال کلیشه ای قهرمانان و شخصیتهای بسیاری از داستانها و یا نقاشیهای متحرک، برای بچه ها کشش و جذابیت بیشتری داشته باشد ؛ ولی باید گفت که تاثیر آنها در تفکر و ذهنیات کودکان بسیار آنی و زودگذر است و در واقع فقط آنها را سرگرم می کند و برایشان هیجانهای کاذب می آفریند، حال آنکه تعهد و مسئولیت تصویرساز در قبال کودکان، جدی تر و عمیق تر از آن است که تنها وسیله ای برای سرگرمی موقت آنان باشد. اگر تصویرساز، آثار خود را با عشق و اشتیاق، خلق کند، در واقع همان تاثیری را در مخاطبان خود به جا می گذارد که خود هنگام خلق اثر داشته است. در عین حال، نباید از یاد برد که ذهنیت و خلاقیت بایدبا تکنیک مناسب همراه باشد. اگر اثری از تکنیک قوی برخوردار باشد ولی فاقد خلاقیت باشد، در مخاطب تنها اثر آنی می گذارد. همچنین اگر تصویری از خلاقیت بهره مند باشد ولی از اجرای خوبی برخوردار نباشد ارتباط مناسب میان اثر و مخاطب، برقرار نخواهد شد.

خیال پردازی در خلق تصویر برای کودکان، ضمن اینکه متن را در بستر تصویر جاری می کند، تخیل کودک را هم به پرواز در می آورد. در ارزیابی های انجام شده در مقاله پیشرو سعی شده از تخیلات کودک برای تصویر سازی حروف الفبا استفاده شود.البته بدیهی است که برای دستیابی به این هدف، عوامل دیگری از قبیل توانمندی تکنیکی تصویرساز و شناخت کافی او از دنیای کودکان، اهمیت دارد.

عده ای براین باورند که کودک، باید آنچه را که می خواند، جزء به جزء در تصویر مشاهده کند. به عبارت دیگر تصویر و متن باید هم عرض یکدیگر باشند. اما چنین دیدگاهی پذیرفتنی نیست. خیال پردازی و بازی با واژه های متن به زبان تصویری، نه تنها کودکان را وادار به جستجوگری و ذهنشان را پویا می کند، بلکه به آنها می آموزد که آسان پذیر نباشند. به این ترتیب، ذهن صاف و زلال آنها را از همان کودکی بارور و شکوفا می شود.

رنگ آمیزی و چهره پردازی در تصویرسازی کتابهای درسی و طرح روی جلد هر کتابی بیشتر به بسته بندی شکلات، یا یک خوراکی کودکانه شباهت دارد. به عبارت دیگر مثل پوست میوه است ؛ یا مثل نمای بیرونی ساختمان است. کودک بین دو میوه یکی با ظاهری خوش رنگ و خوش فرم ودیگری از جنس همان میوه، اما رنگ و رو رفته و بد شکل، بی تردید میو ه ی اول را انتخاب می کند. طرحهای جلد کتاب های درسی هم از این امر مستثنی نیستند و متاسفانه هیچگونه ذوق و شوقی را در کودک بر نمی انگیزند.

کودکان به دلیل حس بصری نیرومندی که دارند، بیشتر به صورت و فرم اشیا توجه می کنند و مفاهیم آموزش هم اگر بخواهند تاثیر مطلوبی روی دانش آموز بگذارند، باید قبل از هر چیز حس بصری او را تحریک نمایند. نزدیک به یک قرن است که طرح جلد کتاب در کشور ما به تناسب رشد تکنیکهای تصویری تکان چشمگیری نخورده است و گویا نمی خواهد هم تکانی بخورد. فرم یکنواخت، رنگ سرد و بی نشاط، فضای بی روح و ریتم بی تنوع جلد کتابهای درسی در تمامی دوره های تحصیلی نمی تواند پیوند عاطفی تاثیرگذاری با کودک برقرار کند.

پس از انقلاب، چون درساختار اخلاقی جامعه دگرگونی به وجود آمد، بالطبع الگوی حجاب نیز تغییر کرد.این دگرگونی مجموعه ی وسایل و رسانه های تصویری را نیز ملزم به رعایت حجاب نمود ؛ تصاویری که در کتابهای درسی وجود داشت، دستخوش حذف و تعویض و اصلاح گردید. در این میان، تنها تصاویری تغییر نکردند و در کتابها باقی ماندند که شکل ظاهری آنها با شئونات مذهبی مغایرتی نداشتند.

به امید روزی که این تلاش های پراکنده سازماندهی و کنترل شوند و با برنامه ریزی، آموزش مناسب، و مدیریت صحیح، از طرف ارگان های ذی نفع و مرتبط، نتیجه بخش تر و کارآمدتر شوند.

هر انسان طبیعی، می تواند کاری خلاق در زمینه ای انجام دهد. ما اگربخواهیم بزرگسالانی خلاق داشته باشیم باید به کودکان خلاق توجه کنیم. هر عملی که کودک انجام می دهد می تواند خلاق باشد، به شرطی که دو اصل در آن رعایت شده باشد. به

همین دلیل باید به پرورش مهارتها وانگیزه خلاقیت پرداخته شود. فضاهایی که کودکان در آن خلاقیت خود را بروز می دهند و میزان خلاقیتی که از خود نشان می دهند، بستگی به آموزش آنها،تجربه و سطح پرورش فکری و جسمی آنان دارد.
خلاقیت در انسان یک پدیده چالش پذیر، پرتضاد و مجذوب کننده است. امید است که این مقاله راهی در مسیر آموزش و پرورش فرزندان ایران بگشاید وآموزش را برای کودکان این سرزمین جذابتر و خلاقانه تر کند

قدردانی

با نهایت تشکر از استاد گرانقدر سرکار خانم صدرایی و همچنین استاد ایمانی راد که مارا در این مسیر راهنمایی نموده با صحبت های مفید و راه کارهای مناسب مارا هدایت نمودند.

منابع و مراجع

۱. Mazzoni, G., & Memon, A. (2003). Imagination can create false autobiographical memories. Psychological Science, 14, 186-188.

۲. Weinstein, Y., & Shanks, D. R. (2008). Perceptual representations in false recognition and priming of pictures. Memory & Cognition, 36, 1415-1428.

۳. احمدیان، مهرداد؛ (۱۳۸۶). روایت گری در تصویر سازی، کتاب ماه ادبیات و کودک، ص ۹۵-۸۴.

۴. مریم مهرداد فر، (۱۳۹۰)،، تصویرسازی، انتشارات مارلیک

۵. لارنس زیگن، (۱۳۹۰) مترجم:شهره رحمانیان، مبانی تصویرسازی، نشر پشوتن.

۶. اُشو، (۱۳۸۰)، خلاقیت آزاد سازی نیروهای درون، ترجمه مرجان فرجی، چاپ دوم، تهران، انتشارات فردوس.

۷. معصومه اعتبار زاده، دکتر سید محمد فدوی، (۱۳۹۲)، شیوه های اعمال خلاقیت در تصویرسازی، ص ۵-۱.

۸. کودک و تصویر۲، (۱۳۸۹)، جمال الدین اکرمی، نشر سروش تهران.

۹. محمود جوادی پور، (۱۳۳۶)، نخستین نشانه های سایه روشن رنگی در تصویرسازی ایران، داستان های شاهنامه.

۱۰. محسن حسن پور، سمانه غفاری نژاد، (۱۳۹۴)، بررسی میزان تاثیر تصویرسازی کتاب های دبستان کودکانِ کم توانِ ذهنیِ آموزش پذیر در یادگیری، ص ۵-۶.

۱۱. علی محمد اسدی، پرویز اقبالی، (۱۳۸۸)، بررسی و مقایسه چگونگی انتخاب زاویه دید در نقاشی کودکان و آثار تصویرگران کتاب کودک در ایران، علی محمد اسدی، پرویز اقبالی، شماره ۱۰.

۱۲.، دفتر انتشارات کمک آموزشی، (۱۳۸۳)، ویژگی و اصول تصویرگری کتاب آموزشی، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، ص ۱۵